

پس از فرو نشستن غبار جنگ در افغانستان رؤیای وسوسه‌انگیز آمریکا در زمینه غارت ذخایر نفت و گاز عظیم منطقه در شرف تعبیر شدن است. با استقرار صلح و طنین صداهای گوش‌خراش نوسازی و بازسازی این کشور که از رسانه‌های غربی به گوش می‌رسد صدای آرام ولی معنی‌دار آمریکا که حکایت از قصد نوازش طولانی مدت ملت افغان تحت ادعا و نام مبارزه با تروریسم تا ریشه‌کنی کامل آن دارد، دارای مفهوم خاص خود می‌باشد. با برقراری صلح و آرامش مجدد در افغانستان تمایل شدید آمریکا به ذخایر نفت و گاز منطقه دریای خزر غیرقابل انکار و سرپوش‌گذارنده است. آمریکا در روند بازسازی افغانستان به شدت علاقه‌مند حفظ منافع اقتصادی خویش از طریق بهره‌برداری از ثروت بیکران انرژی منطقه دریای خزر بوده چرا که ایمن‌ترین و ارزانه‌ترین مسیر را در دستان خود می‌بیند. از نقطه نظر جغرافیایی و نیز تاریخی یکی از منطقی‌ترین مسیرهای راهیابی آسیای مرکزی به دریا از طریق افغانستان و پاکستان به دریای عرب می‌باشد. بخش اعظم مسیر جاده ابریشم از همین راه عبور می‌نموده است. ارزش ذخایر دریای خزر براساس برآوردهای کارشناسانه رسماً بالغ بر ۵ تریلیون دلار برآورد شده است. با توجه به این ثروت هنگفت، وسوسه‌گشودن راههای ترانزیت و انتقال انرژی به بازارهای جهانی از دیرباز مطمح نظر بازیگران نفتی بین‌المللی و تحلیلگران مسایل اقتصادی در غرب بوده است. جنگ داخلی افغانستان در اوایل دهه ۱۹۹۰ مانع آشکاری در راه‌گشایش مجدد این مسیر سنتی و تاریخی بود. امید راهیابی به منابع انرژی (نفت و گاز) آسیای مرکزی از جمله انگیزه‌های اصلی پاکستان در ایجاد و

تقویت بنیه سیاسی و نظامی طالبان در افغانستان بوده اما رفتار ناهنجار و خلاف عرف طالبان امید پاکستان را نقش بر آب ساخته و موجب گردید کشورهای آسیای مرکزی به طالبان و حامیان نظامی ایشان به دیده کانون تهدید نگریسته و نتیجتاً در طول ۷ سال گذشته شاهد افول روابط سیاسی و طلوع حس بی‌اعتمادی میان پاکستان و این کشورها بوده‌ایم. با این حال بروز رخدادهای اخیر و ظهور ائتلاف جهانی در مقابله با طالبان و متعاقب آن برقراری صلح و ثبات نسبی در افغانستان فرصت‌های طلایی درخصوص تولید، ترانزیت و معاملات مربوط به نفت و گاز را برای کشورهای غربی و منطقه به همراه داشته است.

پاکستان به‌منظور جبران سرخوردگی‌های سیاسی منطقه‌ای و مشروعیت داخلی از دست رفته خود بر سر نرد دوستی با آمریکا نشسته و به این امر دل بسته تا به‌عنوان سرپل ارتباطی در انتقال نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی و محیط پیرامون دریای خزر به جهان خارج دارای نقش ویژه‌ای بوده تا از این ره‌آورد ثروت قابل توجهی را در راستای جبران خسارت‌های گذشته و حال به‌دست آورد. پاکستان با توجه به سوابقی که از روابط خود با این کشورها و منطقه بجاگذارده بالاچار می‌بایستی تحت پوشش همکاری با آمریکا و غرب و از نقطه آغازین، شروع به ایجاد روابط همه‌جانبه نماید. پاکستان به سبب اقبال بد طالبان نتوانست به موقع اقدام به احداث خط لوله گاز ترکمنستان به این کشور به هزینه ۲ میلیارد دلار نماید؛ ولی اکنون به دلیل اتحاد و همکاری با آمریکا در صف مبارزه با تروریسم، سهم اقتصادی همکاری خود را در بهره حاصله از مشارکت در امر توسعه و بازسازی افغانستان و نیز برخورداری از منافع حاصله از عبور خط لوله نفت و گاز منطقه از خاک پاکستان می‌داند. مطبوعات پاکستانی طی هفته‌های اخیر چشم‌انداز به‌شدت مثبتی را در امور مربوط به همکاری‌های پاکستان در بازسازی افغانستان از طریق همکاری در امور مربوط به فعالیت‌های بهره‌برداری و اکتشافات نفت و گاز، ایجاد خط لوله نفت و گاز، احداث راه‌آهن، بزرگراهها، فرودگاه‌ها، ترمیم راههای مواصلاتی، تأسیس خطوط مخابراتی و راه‌اندازی صنایع کوچک و متوسط و بسط روابط اقتصادی و تجاری در تمامی زمینه‌های مورد علاقه، ترسیم نموده و به واسطه بزرگنمایی

اقدامات و ابتکارات کشورهای منطقه و همسایه افغانستان نظیر جمهوری اسلامی ایران، هند، ترکیه و روسیه، دولتمردان و بخش خصوصی این کشور را ترغیب به فعالیت بیشتر و نشان دادن تحرک لازم نموده‌اند. تنها نقطه سیاه در بسط روابط با افغانستان در منظر مسئولین پاکستانی اجبار به آغاز روابط از نقطه صفر آن بوده و این در حالی است که سایر کشورهای منطقه به دلیل تاسی از سیاست‌های مسالمت‌آمیز در قبال ملت افغانستان در طول سالهای سیاه حکومت طالبان و نیز ارتباط مودت‌آمیز با اتحاد شمال از پیوندهای دوستانه دیرینه و مستحکم‌تری برخوردارند. از سویی آمریکا که در صدد به‌دست آوردن این ثروت گران‌می‌باشد، با توجه به دغدغه‌های متحدان اروپایی خود و نیز برخی از کشورهای منطقه دست‌اندازی بر تمامی منافع موجود را برای خود مشکل‌ساز می‌بیند و لذا در صدد نشان دادن انعطاف و بذل و بخشش اندکی از این سرمایه به دیگران می‌باشد. آمریکا از طریق توسعه و بازسازی افغانستان در وهله نخست در اندیشه گشودن مسیر بازرگانی «جاده ابریشم» به‌عنوان کلید روابط شرق و غرب در آستانه هزاره سوم میلادی است. جاده ابریشم در سده شانزدهم میلادی به‌عنوان مسیر منحصر به فرد کاروان‌های تجاری از طریق چین و هند به سمرقند و بخارا در آسیای مرکزی و از آنجا به اروپای غربی محسوب می‌گردید.

بر اساس جدیدترین آمار منتشره ذخایر احتمالی نفت و گاز طبیعی ۵ کشور ساحلی دریای خزر و ازبکستان مجموعاً به ترتیب بالغ بر ۲۳۵ میلیارد بشکه نفت، ۳۲۸ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی می‌باشد. اگر بهای هر بشکه نفت را تنها ۲۰ دلار یعنی نازل‌ترین قیمت در طول سالیان اخیر فرض نماییم به حساب سرانگشتی ارزش ذخایر نفتی این ۶ کشور (آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، روسیه و جمهوری اسلامی ایران) بالغ بر چهار تریلیون و هفتصد میلیارد دلار خواهد شد که این میزان بدون احتساب منابع کشف نشده در این منطقه حاصلخیز نفتی می‌باشد. در مقایسه با سایر نقاط جهان، منطقه پیرامونی دریای خزر قریب به ۳ درصد نفت و ۷ درصد گاز جهان را در دل خود جای داده است. برای درک اهمیت روابط برخی از کشورهای آسیای مرکزی و آمریکا بایستی اذعان نمود که ذخایر نفت ۴ جمهوری

آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان که روابط مطلوبی را طی چند سال اخیر با ایالت متحده آمریکا در مناسبات سیاسی و نظامی خود رقم زده‌اند به‌طور مثبت شده بالغ بر ۱۵ میلیارد بشکه و براساس محاسبات غیررسمی کارشناسی شده بالغ بر ۲۰۶ میلیارد بشکه، برآورد گردیده است که این ارقام نجومی منافع دیرپا، مطلوب و وسوسه‌انگیزی را برای قدرت‌های جهانی به‌ویژه آمریکا نوید می‌دهد. در همین رابطه شایان ذکر است که ذخایر هیدروکربن خاورمیانه و آمریکای جنوبی تقریباً ۵۵ درصد نفت و ۸ درصد گاز طبیعی از مجموعه ذخایر به ثبت رسیده نفت و گاز جهان را تشکیل می‌دهد. در هر صورت وضعیت در شرف تکوین در صحنه سیاسی منطقه و به‌ویژه افغانستان ایجاد ابعاد نوینی در روند سیاست‌های نفتی در سراسر جهان را نوید می‌دهد. آمریکا در این میان علاقه‌مند به افزایش نفوذ خود در بازار بین‌المللی انرژی برای تعیین و تثبیت بهای این فرآورده‌ها در جهت منافع اقتصادی و سیاسی خویش است. سایر بازیگران نظیر روسیه، جمهوری اسلامی ایران، چین، پاکستان، هند و حتی برخی از کشورهای خاورمیانه نیز از هم‌اکنون تمهیداتی را در این زمینه اندیشه نموده‌اند تا بلکه متناسب با نقش خود از این فرصت استثنایی بهره‌مند گردند. به‌تازگی چهار رویداد مهم دیگر نیز که در راستای تلاش شتابنده و تعیین‌کننده برای جلب منافع سرشار نفت و گاز می‌باشد در حول و حوش افغانستان مشاهده می‌گردد:

۱. قطر و ابوظبی پس از چندین سال مذاکرات طولانی نهایتاً در خصوص انعقاد قرارداد ۳/۵ میلیارد دلاری انتقال گاز قطر به امارات متحده عربی تحت پروژه گاز دولفین خلیج فارس به توافق دست یافتند. شرکت پیمانکار این طرح به نام «دلفین انرژی» در نظر دارد در فاز دوم طرح مزبور این خطوط لوله را به پاکستان و در مرحله بعد از آن به هند منتقل نماید که این امر حاکی از روحیه بلندپروازانه سرمایه‌گذاران نفتی به انگیزه دست‌اندازی به منابع مالی برتر است. مذاکرات اخیر وزیر نفت پاکستان در امارات متحده عربی در همین راستا بوده است. شایان ذکر اینکه

پیش‌نویس موافقت‌نامه دیگری نیز از جانب شرکت نفتی کرسنت پترولیوم^۱ در شارجه برای احداث خط لوله دیگری از مسیر قطر به پاکستان و سپس به هند تهیه گردیده که در حال حاضر از سوی مقامات دولت پاکستان تحت بررسی قرار دارد.

۲. وزرای نفت روسیه و کشورهای منطقه خلیج فارس در خصوص تشکیل «کنسرسیوم خط لوله خزر» به توافق اصولی دست یافتند. این کنسرسیوم با مشارکت شرکت روسی لوک اوایل^۲ و شرکت آمریکایی شورون تگزاکو^۳ یک میلیون تن نفت را از قزاقستان به بازارهای جهانی نفت منتقل خواهند نمود. در این کنسرسیوم کشورهای روسیه ۲۴٪، قزاقستان ۱۸٪، عمان ۷٪ سهام این خط لوله ۱۵۰۰ کیلومتری و ۲/۵ میلیارد دلاری را در اختیار داشته و سپس بقیه سهام از آن چند شرکت خصوصی خواهد بود.

۳. احیای پروژه انتقال گاز ایران به هند از طریق پاکستان نیز از جمله طرح‌های در دست بررسی می‌باشد. این خط لوله گاز مورد توافق از میدین نفتی پارس جنوبی ایران به هند را حمل خواهد کرد. تهران و اسلام‌آباد اخیراً راه‌های امکان احداث خط لوله از طریق پاکستان را مورد بررسی و تأکید قرار دادند. وزیر نفت ایران جهت نهایی نمودن این طرح به دهلی‌نو سفر نموده است. در همین رابطه وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود جهت سفر به پاکستان به منظور نزدیک نمودن دیدگاه‌های هند و پاکستان و نیز نهایی نمودن طرح مزبور را اعلام نموده است که این سفر پس از اعلام آمادگی طرف پاکستانی صورت خواهد پذیرفت. تنها مانع جدی بر سر احداث این خط لوله ملاحظات خاص امنیتی هند و گروه‌کشی‌های معمول سیاسی به‌ویژه در بحران جاری میان این دو کشور همواره متخاصم می‌باشد. اسلام‌آباد کراراً اعلام داشته که در این زمینه حاضر به ارائه تضمین‌های لازم خواهد بود. گفته می‌شود که پاکستان از بابت ترانزیت گاز ایران به هند در ظرف یک دوره ۳۰ ساله معادل ۱۴ میلیارد دلار به‌دست خواهد آورد.

۴. قرارداد فروش گاز طبیعی ترکمنستان به ارمنستان که به‌تازگی به امضا طرفین رسید.

1. Crescent Petroleum

2. Lukoil

3. Chevron Texaco

طبق این طرح خط لوله‌ای جهت انتقال گاز طبیعی ترکمنستان به ارمنستان بین دو کشور کشیده خواهد شد.

چنین به نظر می‌رسد که همانگونه که آمریکا در اوایل دهه ۹۰ با ترفند برپایی عملیات «توفان صحرا» در خلیج فارس موفق به تاراج ذخایر نفتی اعراب گردید، این بار نیز با طراحی عملیات ائتلاف جهانی بر ضد تروریسم در صدد غارت منابع استراتژیک دریای خزر و افغانستان بوده تا بدین وسیله جای پای خود را بیش از پیش در این منطقه استراتژیک استوار نماید. بی‌شک وجود یک افغانستان با ثبات و آرام می‌تواند در زمینه ترانزیت نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای بین‌المللی، اروپایی و جنوب شرق آسیا نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. از سوی دیگر، ذخایر عظیم نفت و گاز افغانستان که به علت جنگ طولانی در بیش از دو دهه گذشته دست نخورده باقی مانده نیز به‌طور جداگانه مورد توجه خاص بازیگران صحنه رقابت نفتی می‌باشد.

در سال ۱۹۹۶ شرکت آمریکایی یونوکال با سایر شرکت‌های نفتی بر سر ایجاد یک خط لوله جهت عبور گاز طبیعی از طریق افغانستان به رقابت پرداختند. در فوریه سال ۱۹۹۸ شرکت مزبور طی گزارشی به کمیته فرعی روابط داخلی مجلس سنای آمریکا چنین اظهار داشت که: «دولت طالبان در افغانستان مانعی در راه ایجاد این خط لوله تلقی می‌شود». در هر حال، قرارداد نفتی یونوکال و پاکستان در زمینه گسترانیدن خط لوله ۱۴۰۰ کیلومتری از منطقه دولت‌آباد در ترکمنستان تا مقصد مولتان پاکستان از طریق افغانستان در آن زمان عقیم ماند. اما در حال حاضر که یک دولت هماهنگ با سیاست‌های آمریکا در افغانستان حاکم گردیده و آینده سیاسی این کشور و منطقه به جهت استقرار سربازان آمریکایی و غربی از پیچیدگی خاصی برخوردار شده است بایستی به انتظار رقابت‌جانانه بر سر تصاحب این فرصت‌ها بود. در همین زمینه گفتنی اینکه فاز دوم طرح مزبور در صدد اتصال این خط لوله به هند بود که این امر در زمان بررسی نیازمند سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیون دلاری بود. اما قبل از انجام اقدام یاد شده آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا بررسی‌های جامع و دقیقی را در مناطق مربوط و مسیرهای خط لوله به عمل

آورده که نهایتاً این شرکت انصراف خود را از انجام این طرح اعلام نمود. نکته جالب توجه در این میان عدم ناامیدی آمریکاییان نسبت به از سرگیری این پروژه می‌باشد زیرا به‌رغم اینکه شرکت یونوکال پس از واگذاری سهام ۴۶٪ خود به شرکت سنت‌گاز^۱ در سال ۱۹۹۷، این شرکت بدون داشتن هیچ‌گونه منافع آشکار تجاری در پاکستان همچنان دفتر خود در اسلام‌آباد را باز و فعال نگاه داشت. حضور نیروهای حافظ صلح و به‌ویژه آمریکایی و انگلیسی که به‌گفته مسئولین ارشد سیاسی و نظامی آمریکا حضوری درازمدت در افغانستان و در آستانه حیات خلوت روسیه و قلمرو جماهیر شوروی سابق نظیر قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان خواهد بود، ضریب امنیتی منطقه را دچار تزلزل نموده و بالطبع شرایط مطلوبی را برای آمریکا و غرب فراهم می‌سازد تا به اقدام عملی در زمینه تثبیت حضور درازمدت و منفعت‌طلبانه خود در منطقه مبادرت ورزند. اما این امر با مقاومت‌های جدی برخی از کشورهای منطقه و به‌ویژه روسیه و جمهوری اسلامی ایران مواجه شده است. در پی اعلام حضور درازمدت آمریکا در منطقه سلزنیف رئیس دومای دولتی روسیه طی سفری به کشورهای آسیای مرکزی اعلام نمود که حضور آمریکا موجبات بی‌ثباتی و تشدید تنش در منطقه را فراهم خواهد ساخت. انجام این سفر و اظهار نظر این‌چنینی که حاکی از نگرانی عمیق روسیه به‌رغم توافقات قبلی پشت پرده روسیه و آمریکا می‌باشد متقابلاً واکنش آمریکا را در پی داشت و سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا فوراً روسیه را به نقض حقوق بشر در چین متهم ساخته، خواستار رعایت این امر از سوی روسیه گردید. روسیه نیز طی اقدامی عملی اعلام نمود قرارداد فروش اورانیوم به آمریکا را متوقف خواهد ساخت و آمریکا نیز در عملی متقابل در فهرست کشورهای خریدار رایانه‌های هوشمند و پیشرفته خود نام روسیه را حذف کرده و بدین ترتیب فروش رایانه و انتقال تکنولوژی بسیار پیشرفته در این خصوص به روسیه را ممنوع اعلام نمود. در هر حال به‌نظر می‌رسد روسیه که در روند ائتلاف جهانی بر ضد تروریسم تا حدی مسحور وعده‌های طلایی آمریکا شده بود اکنون با تغییر سناریو و با مطرح شدن حضور

1. Centgas

درازمدت آمریکا و کشورهای غربی که به عبارت دیگر به معنای حضور تمام عیار ناتو در مرزهای استراتژیک این کشور می‌باشد، از خواب‌گران بیدار گشته و جنگ لفظی و عملی محدودی را با آمریکا آغاز نموده است. بی‌شک تشدید اختلافات آمریکا و روسیه حاکی از تضاد منافع این دو کشور در سطح منطقه و افغانستان می‌باشد که پیگیری آن اهداف درازمدت بسیاری را در پی خواهد داشت. بنابر گزارش‌های منابع غربی از جمله اهداف آمریکا این است که جورج بوش (پدر) دارای سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای در گروه کارلایل که در واشنگتن مستقر می‌باشد، است. گروه کارلایل یک شرکت بزرگ خصوصی با سرمایه‌ای بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار است که در صنعت نفت عربستان سعودی نیز پروژه‌ها و منافی را کسب نموده است. آریل کوهن تحلیلگر ارشد سیاسی ضمن یک کار تحقیقاتی تحت عنوان «احداث یک جاده ابریشم جدید - سعادت اقتصادی» می‌نویسد: «ذخایر نفت و گاز منطقه اوراسیای دریای خزر می‌تواند برای آمریکا راه‌حل مطلوب راهیابی به سوی ذخایر طبیعی نفت و گاز در نیمه اول سده بیست و یکم میلادی تلقی شود. اینها ذخایر فراوان و ارزشمندی هستند که از لحاظ حجم در ردیف دومین ذخایر جهان پس از ذخایر بی‌مثال خاورمیانه می‌باشند».

در حال حاضر، رقابت بین‌المللی برای چنگ‌اندازی به منابع نفتی دریای خزر تشدید گردیده است. از سویی کمپانی‌های نفتی روسیه و آلمان در صدد ایجاد خط لوله‌ای از دریای خزر به اروپای غربی می‌باشند که سابقاً به واسطه بمباران یوگسلاوی این طرح را کد مانده بود. از سوی دیگر، روسیه قراردادی را با جمهوری اسلامی ایران در زمینه انتقال انرژی به امضا رسانیده و نیز قراردادی با لهستان جهت انتقال نفت روسیه به اروپا از طریق لهستان از سال ۲۰۰۳ را به امضا رسانید. چین نیز در حال مذاکره با قزاقستان جهت ایجاد خط لوله‌های نفت و گاز می‌باشد. اقدامات اخیر آمریکا پس از طرح سناریوی ۱۱ سپتامبر جهت حضور در منطقه شاید با این امر بی‌ارتباط نباشد که در ژانویه سال ۲۰۰۱ میلادی مجلات صنعت نفت جهان متفقاً اظهار تأسف نمودند از اینکه هرگونه شانس برای آمریکا جهت برقراری اتحاد نفتی با هریک از کشورهای منطقه منتفی بوده و این رؤیا محکوم به شکست خواهد بود.

هند نیز بازیگر دیگر این صحنه است که به دلیل حمایت ممتد از اتحاد شمال، خود را در حلقه نزدیکان حکومت موقت کنونی و نیز حکومت آینده افغانستان دیده و طبیعتاً اندیشه‌های خاصی در سر می‌پروراند. سال گذشته در هنگامی که یک هیأت از نمایندگان بلندپایه شرکت روسی گاز پروم قصد عزیمت به پاکستان را داشتند این سفر با درخواست هند از پوتین که در آن زمان مشغول انجام بازدید از هند بود، لغو گردید. روسیه نیز به دلیل ملاحظات اقتصادی و امنیتی خواهان محدود ساختن حضور شرکت‌های نفتی آمریکایی در این منطقه بوده، و لذا روند توسعه قراردادهای نفتی خود را اخیراً دوچندان نموده است. در نقطه مقابل هدف آمریکا از انجام طرح‌های مشترک نفتی با کشورهای منطقه تا حدی تقویت بنیه اقتصادی و ارکان حاکمیت دول هم‌سوی با سیاست‌های آمریکا در آسیای مرکزی و مقابله با نفوذ دیرینه و سنتی روسیه می‌باشد. در هر حال، احیای جاده ابریشم موجب اتصال چین، روسیه، اوراسیا و اروپای غربی را فراهم ساخته و فرصت‌های بازرگانی منحصربه‌فردی را برای شرکت‌های آمریکایی به وجود خواهد آورد. رقابت روسیه، ایران، ترکیه و آمریکا بر سر اکتشاف و توسعه خطوط لوله نفت و گاز منطقه خزر در آسیای مرکزی و قفقاز ناشی از آگاهی این کشورها از اهمیت استراتژیک و منحصربه‌فرد جغرافیایی و نیز منافع سرشار مربوط به بهره‌برداری و انتقال انرژی هیدروکربن این منطقه است. این رقابت از جنبه دیگر با شرکت‌های نفتی چینی، ژاپنی، کره‌ای، هندی، پاکستانی و برخی از شرکت‌های نفتی عربی بوده که در مجموع در این رهگذر حضور شرکت‌های غربی از قبیل آموکو و بریتیش پترولیوم که در رأس کنسرسیوم بین‌المللی آذربایجان (AIOC) و به عنوان پیمانکار عمده حفاری در منطقه دریای خزر و نیز شرکت شورون که هم‌اکنون مشغول توسعه میدان بزرگ گاز در تنگیز در قسمت غربی قزاقستان می‌باشد و نیز شرکت آتلانتیک ریچفیلد^۱ که سهامدار شرکت بزرگ نفتی روسی لوک‌اویل می‌باشد، قابل توجه و تأمل خواهد بود. در این راستا ابتدا شرکت‌های غربی می‌بایستی مشکلات موجود بر سر انتقال نفت را برطرف

1. Atlantic Richfield

نموده تا بتوانند نفت را به بازارهای هدف برسانند. مشکلات عمده شرکت‌های آمریکایی در انتقال نفت از طریق دریای سیاه عبارت از محدودیت‌های دریانوردی در این دریا و کشتیرانی تنگه ترکیه و در خصوص دریای خزر اختلاف نظر کشورهای ساحلی دریای خزر بر سر تعیین رژیم حقوقی این دریاچه بسته می‌باشد. در همین رابطه از آنجا که مراحل ساخت ترمینال نفتی سوپسا در گرجستان به پایان نرسیده است. انتقال نفت دریای خزر از این مسیر که از دریای سیاه عبور خواهد نمود تاکنون از سرعت مناسبی برخوردار نبوده است. به روشنی مشخص است که نقاط جایگزین توزیع نفت و تسهیلات مربوطه در زمینه تأسیس صنایع پتروشیمی در حوالی دریای سیاه می‌بایستی در کشورهای اوکراین، ترکیه، بلغارستان و رومانی ایجاد شوند. لازم به ذکر اینکه تنها ترمینال نفتی اوکراین، در بندر ادسا در شرف تکمیل و راه‌اندازی بوده و پالایشگاه بزرگ رومانی در میدیا در نزدیکی بندر کنستانتا کاملاً آماده بهره‌برداری نمی‌باشد. در هر حال عبور نفت دریای خزر از ترمینال‌های دریای سیاه باید از تنگه‌های باریک و دشوار بسفر و داردائل ترکیه عبور نمایند. این مسیر یکی از پررفت و آمدترین آبراهه‌های جهان است که پهنای آن در بعضی نقاط حدود ۶۴۰ متر می‌باشد و به واسطه پلی که روی آن نصب گردیده قاره‌های آسیا و اروپا به یکدیگر متصل می‌شوند. در هر صورت بر اساس آنچه گفته شد مشخص گردید که کشورهای غربی به شدت با تبلیغات و اقدامات خود در صددند ضمن رفع موانع موجود به غارت سرمایه‌های طبیعی این منطقه پردازند. از جمله موانع مورد طرح از سوی ایشان طرح مبحث رژیم حقوقی دریای خزر است که از سوی کشورهای روسیه و ایران مصرأ تحت پیگیری می‌باشد. ایران و روسیه با استناد به قوانین بین‌المللی دریایی و نیز قراردادهای فی‌مابین ایران و شوروی سابق معتقدند به دلیل بسته بودن حریم و دریاچه بودن خزر، نمی‌توان قوانین دریایی که حق اختیار بهره‌برداری از منابع حریم دریایی به کشورهای ساحلی فلات قاره می‌دهد را در اینجا اعمال نمود. روسیه خواستار به رسمیت شناختن فاصله ۴۵ میل دریایی به عنوان حریم قلمرو خاکی و فلات قاره کشورهای ساحلی دریای خزر بوده که در این حالت به‌طور مثال بخش اعظم نفت واقع شده در حریم قزاقستان در اختیار این کشور قرار می‌گیرد؛ اما نفت جمهوری

آذربایجان به دلیل فقدان این ضابطه در اختیار مالکیت جمعی کشورهای ساحلی قرار خواهد گرفت. متفکران غربی بر این باورند که سلطه جمهوری اسلامی ایران از جمله موانع عمده بر سر انتقال منافع اقتصادی نفت منطقه به جیب غرب و به‌ویژه شرکت‌های نفتی آمریکایی می‌باشد. در حال حاضر برخی از کشورهای منطقه مقداری از نفت خود را به‌وسیله کشتی و قطار صادر می‌نمایند. از جمله طرح‌های مورد پیگیری ایجاد خط لوله گاز از منطقه چارچو در شرق ترکمنستان تا سواحل چین در دریای آرام است. اگر این خط لوله تکمیل گردد طولانی‌ترین خط لوله جهان به طول ۳۷۰۰ مایل (حدود ۶ هزار کیلومتر) احداث خواهد شد. در حال حاضر این پروژه از سوی یک کنسرسیوم متشکل از اسوچین (اکسون)، میتسوبیشی ژاپن و شرکت ملی نفت چین در دست بررسی نهایی می‌باشد. در همین حال، بنا بر اظهار مقامات قزاقستان احداث یک خط لوله نفت از بخش غربی این کشور در امتداد همین مسیر در دست بررسی است. ترکیه نیز در رقابت شدید با کشورهای منطقه در حال بررسی انجام پروژه‌های مختلف می‌باشد تا بلکه بتواند از صادرات گاز روسیه به این کشور که در حال حاضر ۸۵٪ نیاز آن را تشکیل می‌دهد، بکاهد. جمهوری اسلامی ایران نیز که چهارمین کشور مهم تولیدکننده نفت (پس از کشورهای عربستان سعودی، آمریکا و روسیه) در سال گذشته میلادی بوده است نیز با به اجرا درآوردن مفاد قرارداد سنگین صدور گاز به کشور ترکیه و انجام سایر پروژه‌های عظیم نفت و گاز با شرکت‌های غربی، آسیایی و روسیه دستاوردهای قابل توجهی را به‌رغم تحریم‌های آمریکا به‌دست آورده است. قرارداد صدور گاز طبیعی به ترکیه که با تأخیر چندماهه از روز دوم بهمن ماه ۱۳۸۰ به مرحله بهره‌برداری رسید در صدد است در فاز اول سالیانه میزان ۳ میلیارد مترمکعب و در فاز دوم سالیانه میزان ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از ایران را تا مدت زمان ۲۳ سال به ترکیه منتقل و صادر نماید. جمهوری اسلامی ایران دومین کشور دارای ذخایر عظیم گاز در جهان و سومین کشور دارای ذخایر عظیم نفت در دنیا می‌باشد. در عرصه این رقابت تنگاتنگ نیاز کشورهای تازه استقلال یافته به ترانزیت نفت، گسترش صنعت پتروشیمی و ایجاد پالایشگاه‌ها بیش از دیگر کشورها است. درآمدهای حاصله از نفت پنجره‌ای را به سوی افق‌های طلایی و فرصت‌های ویژه

خواهد گشود تا از این طریق کشورهای منطقه بتوانند به اجرای برنامه‌های نوسازی و زیرساخت‌های عمرانی کشور خود پرداخته و برنامه‌های توسعه زیربنایی و فقرزدایی را در استانه قرن بیست و یکم میلادی سرعت و شتاب بیشتری بخشند. این امر مسلماً فرآیند توسعه یافتگی را از طریق کم نمودن فاصله این کشورها با کشورهای توسعه یافته بهبود خواهد بخشید. در هر حال بایستی به انتظار نشست و نظاره نمود که ثمرات و برآیند ائتلاف جهانی بر ضد تروریسم که از اندیشه دولتمردان سودجوی آمریکایی نشأت گرفته نهایتاً چه تصویری را در عرصه سیاسی و اقتصادی افغانستان، منطقه و بلکه جهان به نمایش خواهد گذارد. بی‌شک نقش جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن در منطقه و جهان در برآیند تحولات جاری به نحو کاملاً عمیقی تأثیرگذار و تعیین‌کننده خواهد بود.

نام کشورها	ذخایر به ثبت رسیده نفت	ذخایر احتمالی نفت	ذخایر به ثبت رسیده گاز	ذخایر احتمالی گاز
آذربایجان	۳/۶	۳۲	۱۱	۳۵
ج.ا.ایران	۰/۱	۱۵	-	۱۱
قزاقستان	۱۰	۹۲	۶۵/۷۰	۸۸
روسیه	۲/۷	۱۴	-	-
ترکمنستان	۰/۵	۸۰	۱۰۱	۱۵۹
ازبکستان	۰/۶	۲	۶۶	۳۵
جمع کل	۱۷/۵	۲۳۵	۲۴۳/۷۰	۳۲۸

ارقام نفت براساس میلیارد بشکه و ارقام گاز بر اساس تریلیون فوت مکعب آورده شده است.

محمد رضا نقر

نماینده مطالعاتی در سفارت جمهوری اسلامی ایران - اسلام‌آباد